

دیپلماسی اجبار در شرایط تحریم‌های اقتصادی ایران با تکیه بر انرژی بر اساس مدل SWOT

مریم هاتفی^۱ - مریم خانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳۰

چکیده:

نظر به روند گسترده شدن، متنوع شدن و افزایش هوشمندانه تحریم‌ها، بررسی دیپلماسی اجبار در شرایط تحریم با تکیه بر انرژی به ویژه در صنعت نفت که در حال حاضر یکی از ابزار-های فشار از سوی دولت اجبار کننده «ایالات متحده آمریکا» بر دولت اجبار شونده «جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد؛ تنها با نگاه به استراتژی‌های کلان در اقتصاد سیاسی این دو کشور با تحلیل چگونگی اعمال تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در فضای دیپلماسی اجبار بر اقتصاد انرژی ایران میسر خواهد شد. این مقاله در تلاش است با استفاده از ماتریس تحلیل SWOT بر اساس ماهیت تحلیلی و اکتشافی و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای دولت اجبار کننده بر اقتصاد انرژی دولت اجبار شونده، راهبردهای برون رفت از این محدودیت‌ها را در قالب چهار گروه به مدیران صنعت نفت ارائه نماید.

واژگان کلیدی: دیپلماسی اجبار، تحریم، اقتصاد انرژی، تحلیل SWOT

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دکتری تخصصی، جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران : نویسنده مسئول

dr.maryamhatefi@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

m_kh_900@yahoo.com

۱- مقدمه

جایگاه نفت خام و گاز طبیعی در اقتصاد انرژی ایران بر کسی پوشیده نیست. سهم عمده در درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در بودجه این کشور، وابستگی بخش‌های تولیدی به انرژی ارزان و بسیاری نمونه‌های دیگر نشان دهنده جایگاه سوخت‌های هیدروکربنی در اقتصاد ملی است. این ماده افزون بر تأمین بخش مهمی از نیازهای بشر به انرژی، پیوندهایی گسترده و پیچیده با عناصر قدرت و ثروت چه در سطح ملی (در کشورهای صادرکننده نفت) و چه در سطح جهانی در روابط میان قدرت‌های بزرگ و کشورهای تولیدکننده داشته و دارد. توزیع نابرابر ذخایر نفت جهان در مناطق مختلف جهان تلاش همیشگی قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا برای کنترل بر عرضه و بهای نفت در بازار، سبب شده انرژی به ویژه نفت افزون بر ابعاد اقتصادی، ابعاد سیاسی و استراتژیک نیرومندی پیدا کند. بررسی دیپلماسی اجبار در شرایط ویژه اقتصاد جنگی ایران با تکیه بر انرژی، تصویری از رویکرد ایالات متحده آمریکا را در هوشمند سازی تحریم‌ها ارائه می‌کند.

اعمال تحریم‌های بین‌المللی از سوی ایالات متحده آمریکا با همسویی اتحادیه اروپا اجرایی گردید و صنعت نفت ایران و مشتقات آن را مورد هدف تحریم‌های اقتصادی از نوع مالی و تجاری هوشمندانه قرار داده است. در این مقاله ریسک‌ها و چالش‌ها بر مجموعه فرایندهای موجود در صنعت نفت ایران شناسایی؛ آثار تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد نفتی این کشور مورد تحلیل؛ کاستی‌ها شناسایی و استراتژی‌های مناسب ارائه گردیده است. به طور کلی مجموعه تحریم‌های اعمال شده، محدودیت‌های معنادار مالی و عدم امکان بهره‌گیری از موسسات مالی و اعتباری را در خصوص انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی ایجاد نموده است. علاوه بر آن، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اعمال شده، معضلات بیشماری را در ارتباط با دریافت خدمات فنی، انتقال دانش فنی، تکنولوژی، گشایش و اجرای قراردادهای اعتبارات اسنادی، امکان دریافت تسهیلات مالی به شیوه فایننس؛ به ویژه به دلیل اعمال تحریم بر بانک مرکزی و سوئیفت، ایجاد نموده است.

۲- یافته‌های پژوهشی

در این مقاله پس از مطالعات کتابخانه‌ای و بر اساس روش پویا محیطی چهار حوزه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انرژی برای استخراج عوامل کلیدی در نظر گرفته شد. پس از شناسایی

نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها، ماتریس‌های ارزیابی عملکرد خارجی، ارزیابی عملکرد داخلی، IE، SWOT و SPACE تشکیل گردیدند تا مشخص گردد جامعه هدف در کدام شرایط استراتژیک قرار دارد. به دنبال آن استراتژی‌هایی طراحی و با استفاده از ماتریس QSPM اولویت بندی گردیدند.

جدول شماره ۱. ماتریس ارزیابی فرصت‌ها

نمره	رتبه	ضرب	ماتریس 0
0.245	3	0.03	01-افزایش نگرانی مصرف کنندگان در جهان از مسائل انرژی
0.245	3	0.03	02-شوگ اقتصاد جهانی با نبود جمهوری اسلامی ایران در بازار نفت و برنگ شدن جایگاه ایران در این بازار جهانی
0.23	4	0.05	03- توجه بیشتر به نوانمندی های داخلی
0.28	4	0.07	04- عدم همکاری برخی نهادها، شرکت ها و کمپانی های بین المللی با تحریم های ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران
			۱

۱-۲- ارزیابی فرصت‌ها

۱-۱-۲- O1: افزایش نگرانی مصرف کنندگان در جهان از مسائل انرژی

در امر تحریم نفتی ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا در واقع امنیت انرژی و نیز تعادل بازار جهانی انرژی را به خطر انداخته‌اند. زیرا امروزه یکی از مباحث مهم در زمینه استفاده از انرژی، علاوه بر امنیت تولید، بحث امنیت در عرضه این کالای استراتژیک است. عدم وجود اجماع جهانی بر روی تحریم نفتی جمهوری اسلامی ایران، قطعاً سبب کاهش کارایی آن در مقابله با ایران خواهد شد و نیز این تحریم در دراز مدت به زیان غرب خواهد بود. (نریمانی، ۱۳۹۳)

۱-۲- O2: شوک اقتصاد جهانی

دوران ثبات قیمت نفت به پایان رسیده است. بنابراین حتی کوچکترین شوک‌های سیاسی نیز تأثیر ناگواری بر بازار نفت خواهد گذاشت. به ویژه اگر صادرات چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت جهان قطع گردد. اگر ایران، نفت خود را از بازار جهانی کنار بکشد و تنگه هرمز را به روی نفتکش‌ها ببندد، علیرغم اینکه وابستگی کشورهای غربی به نفت کاهش یافته باشد، ولی همچنان بازار با کمبود نفت مواجه خواهد شد که منجر به افزایش بهای نفت خواهد گردید و در این شرایط شکی در بروز رکود اقتصاد جهان وجود نخواهد داشت. البته باید توجه داشت که این امر

تنها زمانی اتفاق می‌افتد که سایر کشورهای تولیدکننده آمادگی تأمین نفت مورد نیاز بازار را نداشته باشند. (گزارش سالانه موسسه استاندارد پورز^۱، ۲۰۰۶)

۲-۱-۳-O3: توجه بیشتر به توانمندی‌های داخلی

با نگاهی مثبت به مفهوم تحریم نفتی ایران، می‌توان آن را فرصتی برای شکوفایی هر چه بیشتر و بهتر استعدادهای داخلی در زمینه توسعه و پیشرفت دانست. پشتوانه تجربه انکا به قدرت داخلی در هشت سال دفاع مقدس نشان داد که هر چه در زمینه‌های خاص، عرصه بر جمهوری اسلامی ایران تنگتر شود، استعدادهای جوانان ایران در آن زمینه بیشتر شکوفا شده و کشور را به مرز استقلال و قطع وابستگی در آن زمینه پیش می‌برند. شاهد مثال در این زمینه، دستیابی ایران به توان بسیار بالای دفاعی و نظامی است که نتیجه مستقیم تحریم‌های ایران در زمان جنگ ایران است. (فطرس، ۱۳۹۰)

۲-۱-۴-O4: عدم همکاری برخی نهادها، شرکت‌ها و کمپانی‌های بین‌المللی با تحریم‌ها

مانند شرکت‌های چینی و هندی

با شروع تحریم‌ها علیه ایران، کشورهای واردکننده نفت ایران نظیر هند، چین، ترکیه و کره جنوبی، مخالفت خود را ابراز داشتند. ۶ درصد از واردات نفت چین، ۹ درصد از واردات نفت هند و ۱۰ درصد از واردات نفت کره جنوبی از طریق ایران تأمین می‌شود. به علاوه، نفت ایران تأمین‌کننده حدود ۷ درصد نفت مورد نیاز ژاپن است. (فطرس، ۱۳۹۰)

جدول شماره ۲: ما ترنس ارزیابی تهدیدها

نمره	رتبه	ضریب	ما ترنس: T
0.06	1	0.06	T1- کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و رکود داخلی
0.1	2	0.05	T2- کاهش سهم بازار ایران توسط رقیب
0.2	2	0.1	T3- کاهش منابع مالی و ارزی
0.06	1	0.06	T4- ایجاد مشکلات در نقل و انتقالات مالی (LC)
0.04	2	0.04	T5- افزایش هزینه‌ها به دلیل افزوده شدن واسطه‌ها و هزینه مبادلات
0.04	2	0.04	T6- طولانی تر شدن بروزه های نفتی
0.1	2	0.05	T7- محدود شدن شرکای تجاری و محدود کردن طرح‌های قرارداد با ایران در فعالیت‌های اقتصادی
0.12	3	0.04	T8- افزایش ریسک مزادها و افزایش حق بیمه
0.05	1	0.05	T9- افزایش برداشت همسایه‌ها از حوزه‌های مشترک انرژی
0.16	2	0.08	T10- ایجاد انحراف تجاری
0.07	1	0.07	T11- افزایش وام‌های معوق در دوران تحریم و ورشکستگی تعدادی از صندوق‌های فرض‌الحسنه بانکی
جمع ۱			

¹ - www.standardandpoors.com

۲-۲-۲- ارزیابی تهدیدها

۲-۲-۱-T1: کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و رکود داخلی

تأثیر اولیه تحریم‌های مالی آمریکا کاهش سرمایه‌گذاری برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه بخش نفت در ایران است؛ زیرا بخش نفت از سرمایه‌بری زیادی برخوردار است و همواره به مقادیر زیادی از سرمایه برای توسعه این بخش نیازمند است. کمبود سرمایه داخلی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای بخش نفت را به تعویق می‌اندازد. گسترش میدان‌های نفتی مستلزم حجم بالای سرمایه‌گذاری است که ایران چنین سرمایه‌ای ندارد و همچنین با توجه به اوضاع بین‌المللی قادر به استقراض نیز نیست. طبق قوانین ایران، مالکیت بر منابع طبیعی نظیر نفت، جنگل، معادن و ... ممنوع است با این حال شرکت ملی نفت ایران در برخی میدان‌ها سرمایه‌گذاری را برای شرکت‌های نفتی به صورت قراردادهای بای بک تشویق کرده که به دلیل ریسک بالا در ایران و نیز تحریم‌های سرمایه‌گذاری این موضوع بسیار اثرگذار است.

با اعمال تحریم‌های نفتی و اقتصادی علیه ایران، اقتصاد ایران با خطر روبرو می‌شود؛ چرا که اقتصاد ایران بر واردات متکی است. در واقع نیاز ایران به واردات کالاهای مصرفی و صنعتی و اتکای همه جانبه به درآمد نفت، مشکل عمده در این زمینه است. بر این اساس تحریم نفتی ایران علاوه بر ایجاد رکود اقتصاد جهانی، درآمدهای نفتی ایران که بیش از ۱۱ درصد منابع بودجه‌ای کشور را شامل می‌شود را کاهش داده و موجبات رکود اقتصادی در داخل نیز خواهد شد. (یاوری، ۱۳۸۹)

۲-۲-۲-T2: کاهش سهم بازار ایران توسط رقبا

بر اساس پیش‌بینی اوپک، ایران ظرف سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در صورت ادامه روند فعلی سرمایه‌گذاری‌ها، به دلیل پیری مخازن پربازده، از نظر ذخایر نفت پس از عربستان، کانادا و ونزوئلا به رده چهارم خواهد رفت و از لحاظ تولید روزانه در جهان نیز پس از عربستان، روسیه، آمریکا، چین، عراق و احتمالاً کانادا به رده ۶ یا ۷ و از نظر صادرات در درون اوپک هم بعد از عربستان، امارات، عراق و نیجریه به پله ۵ تنزل پیدا می‌کند. حال اگر به این شرایط، تحریم‌ها نیز اضافه گردد، بدون شک، رقبا سهم آن را خواهند گرفت. (محمدی، ۱۳۹۱)

۲-۲-۳-T3: کاهش منابع مالی و ارزی

اعمال تحریم‌ها، شرکت‌ها را در تأمین منابع ارزی از بانک‌ها و تأمین‌کنندگان سرمایه داخلی

دچار مشکل می‌کند. تولیدکنندگانی که منابع خود را از طریق فاینانس و یوزانس تأمین می‌کنند، با تنگنا مواجه شده و از طرفی، چون قادر به تحویل کالاهای تولیدی خود در زمان مشخص نیستند، در تعهدات خود به مشتریان و بازپرداخت وام‌ها و تسهیلات داخلی نیز با مشکل روبرو می‌شوند. در نتیجه منابع مالی داخلی نیز با افزایش مطالبات به کاستی می‌گیرند. (شهرکی، ۱۳۹۱)

۲-۲-۴-T4: ایجاد مشکلات در نقل و انتقالات مالی LC

اعتبارات اسنادی، اغلب در معاملات بین‌المللی به منظور اطمینان از دریافت مبالغ پرداختی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به دلیل ماهیت معاملات بین‌المللی که شامل عواملی همچون مسافت و تفاوت قوانین کشورها و نظایر آن است، اعتبارات اسنادی یک جانبه در تجارت بین‌المللی، بسیار مهم قلمداد می‌شود در شرایط فعلی و با توجه به فشار دولت‌های غربی بانک‌های بین‌المللی، بانک‌های کشورمان در زمینه گشایش اعتبارات اسنادی دچار مشکلاتی شده‌اند که برای مقابله با آن شیوه پرداخت نقدی از سوی تجار در پیش گرفته شده است که هرچند در کوتاه مدت می‌تواند کارگشا باشد، هزینه‌هایی را به بازرگانان تحمیل می‌کند که موجب شده نتوان از این شیوه به عنوان یک راهکار بلندمدت بهره برد. (لطفعلی پور، ۱۳۹۱)

۲-۲-۵-T5: افزایش هزینه‌ها به دلیل افزوده شده واسطه‌ها و هزینه مبادلات

تحریم‌ها در روند پیشرفت و توسعه صنعت نفت هزینه‌هایی را همراه دارند. این هزینه‌ها بیشتر به دلیل آن است که شرکت‌های فراملی بزرگی که تا پیش از این در پروژه‌های نفت و گاز حضور و سرمایه‌گذاری می‌کردند کنار رفته و به جای آن شرکت‌های کوچکتر داخلی یا نه چندان مطرح خارجی، جایگزین آنها شده‌اند. این شرکت‌ها، هم به جهت تأمین اعتبار و هم به لحاظ فناوری و دانش فنی، از تجربه و مهارت کافی برخوردار نیستند و آنها نیاز مورد نظر خود را از همان شرکت‌های بزرگ تأمین می‌کنند و این به معنای افزوده شدن واسطه‌ها و حداقل افزایش هزینه‌های پروژه است. (همان)

۲-۲-۶-T6: طولانی شده پروژه‌ها

با اعمال تحریم‌ها، شرکت‌های ایرانی چه برای تأمین سرمایه خارجی و چه برای دانش فنی، ناچار خواهند بود از طریق واسطه‌ها و دلالتان کشورهای ثالث، گشایش اعتبار نمایند که مستقیم‌ترین پیامد آن، بالا رفتن هزینه‌های معامله و صرف زمان طولانی تر برای رسیدن به اهداف و زمانبندی است. (اقبال، ۱۳۹۵)

۲-۲-۷-T7: محدود شدن شرکای تجاری

(محدود کردن طرح‌های قرارداد با ایران در فعالیتهای تجاری و اقتصادی): یکی از مهمترین تأثیرات تحریم‌های ایران، محدود شدن طرف‌های قرارداد با ایران در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی است؛ به نحوی که بسیاری از شرکت‌های مهم بین‌المللی نسبت به ریسک‌پذیری و تجارت با ایران اکراره داشته و حاضر به از دست دادن موقعیت خود در بازار ایالات متحده آمریکا نیستند. (جوان، ۱۳۸۵)

۲-۲-۸-T8: افزایش ریسک مرادفات ایران و افزایش حق بیمه

بر اساس تحریم کنونی ایران هیچگونه قرارداد بیمه بیش از دو سال با ایران منعقد نمی‌شود و قراردادهای بیمه کمتر از دو سال هم در عمل لغو می‌شوند. شرکت‌های بیمه‌گر هم نباید پیشنهاد ارائه خدمات به سازمان دولتی در ایران داشته باشند. بسیاری از سازندگان و فروشندگان خارجی در شرایط کنونی حاضر به شرکت در مناقصات برگزار شده نیستند و سازندگان و فروشندگانی که مایل به همکاری هستند شرایط و ریسک‌های شرایط تحریم را به خریدار منتقل می‌نمایند. در شرایط کنونی شرکت‌های واسطه و یا دلال وارد معاملات می‌شوند و آنها نیز با اعلام شرایطی همچون دریافت پیش پرداخت بیش از ۲۵ درصد بدون ارائه تضمین بانکی ریسک تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهند. (صفدری، ۱۳۹۱)

۲-۲-۹-T9: افزایش برداشت همسایه‌ها از حوزه‌های مشترک

ایران در مناطق خشکی و دریا، دارای میادین متعدد مشترک در مناطق مرزی با همسایگان خود به ویژه همسایگان غرب و جنوب غربی دارد. عمده میادین نفتی مشترک ایران و کشورهای همسایه در مناطق دریایی واقع شده‌اند. در مجموع ۱۵ میدان نفتی مشترک بین ایران و کشورهای همسایه وجود دارد که از این تعداد، پنج میدان مشترک نفتی در مجاورت کشورهای خلیج فارس از جمله: عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات متحده عربی (ابوظبی، دوی و شارجه) قرار دارند. (جوان، ۱۳۸۵)

۲-۲-۱۰-T10: انحراف تجاری

در شرایط تحریم، صنعت نفت ایران به جای عقد قرارداد خرید تکنولوژی با کشورهای دارای مزیت و مولد تکنولوژی، اغلب مجبور خواهد بود به کشورهایی روی بیاورد که مایل به همکاری هستند، حتی اگر کیفیت یا مزیت پایین‌تری دارند که هزینه‌هایی را به کشور تحمیل خواهد

جدول شماره ۴: ماتریس ارزیابی قوت‌ها

ماتریس S:	ضریب	رتبه	نمره
S1- توجه به کیفیت نفت خام ایران در سطح بین الملل	0.06	3	0.16
S2- توجه به اختصاص جایگاه ۲۷ درصدی صادرات نفت ایران به کشورهای اروپایی	0.07	4	0.24
S3- توجه به موقعیت ایران به عنوان جانشین خوب روسیه برای تامین انرژی اروپا	0.07	3	0.17
S4- توانمندی نیروهای داخلی و استعدادها، قابلیت‌ها، توانایی‌ها و امکانات قابل ملاحظه طراحی، ساخت و نصب تجهیزات پروژه‌ها و ساخت ماشین‌آلات و قطعات مرتبط توسعه و تولید در صنعت نفت ایران	0.05	3	0.1
S5- داشتن ظرفیت در صادرات محصولات بنروسیمی	0.05	4	0.2
S6- توجه به نقش بانک‌های ایرانی در اقتصاد بین الملل	0.04	3	0.13
			جمع ۱

۳-۱- ارزیابی نقاط قوت

۳-۱-۱- S1: کیفیت نفت خام ایران با توجه به ماهیت و کیفیت نفت خام مورد تقاضای

متقاضیان و مصرف‌کنندگان در قطب‌های متنوع مصرف در عرصه بین‌المللی یکی از فاکتورهایی که در فرمول قیمت‌گذاری فراورده‌های نفتی نقش اساسی دارد، نوع نفت خام و کیفیت آن است؛ به طوری که آنچه به عنوان نفت سبک یا سنگین نامیده می‌شود، درجه‌ای از ترکیبات نفتی (شامل گوگرد، نمک، فلزات و نظایر آن) است که API2 خوانده می‌شود و این مسئله در قیمت آن و فرمول فروش تأثیرگذار است. با تحریم صنعت نفت ایران کشورهای خریدار نفت آن به دلیل انطباق پالایشگاه‌هایشان با نفت ایران نمی‌توانند در فرصت کوتاه مشخص شده از نظر فنی شرایطی را فراهم کنند تا پالایشگاه‌ها و تجهیزات نفتی خود را که بر پایه نفت سنگین ایران پایه ریزی شده است بر پایه نفت جدید تغییر دهند. گرچه برخی کشورها همچون روسیه، لیبی، ویتنام، گابون، کلمبیا، نیجریه، امارات، آذربایجان، کویت، ونزوئلا، عراق و عربستان نفت خام‌هایی دارند که با کمی تفاوت به درجه API نفت خام ایران نزدیک هستند و می‌توانند بازاری مناسب برای خریداران نفت خام ما باشند، اما به دلیل تفاوت بالای میزان سولفور نفت خام‌های این کشورها با ایران، به طور قطع، این امر ممکن نخواهد بود. نفت این کشورها حاوی سولفور کمتری است و بیشتر مناسب تهیه فراورده‌هایی چون بنزین است؛ در حالی که نفت سنگین ایران که حاوی سولفور بیشتری است، برای فراوری به دیگر محصولات مشتق از نفت، هزینه کمتری می‌برد. شایان ذکر است که از نظر کیفیت برای

نفت صادراتی ایران یک جانشین وجود دارد و آن نفت اورال روسیه و همچنین عراق است که باید مراقب حرکت آنها بود. (عالمی، ۱۳۹۱)

۳-۱-۲-S2: اختصاص داشتن تنها ۲۷ درصد صادرات نفت ایران به کشورهای اروپایی
 قاره اروپا پس از چین بزرگترین بازار صادراتی نفت ایران است. از سوی دیگر در بین کشور-
 های مختلف کشورهای سریلانکا ۱۰ درصد واردات نفت از ایران، ترکیه ۵۱ درصد واردات نفت
 از ایران، آفریقای جنوبی ۲۵ درصد واردات نفت از ایران، یونان ۱۴ درصد واردات نفت از ایران،
 اسپانیا و ایتالیا ۱۳ درصد واردات نفت از ایران، به ترتیب بیشترین وابستگی را به نفت ایران در
 بین کشورهای مختلف جهان دارند. از این رو، در صورتی که اروپا واردات نفت خود را از ایران
 قطع نماید، ایران تنها حدود ۲۷ درصد صادرات خود را از دست خواهد داد. (-Tehran Times, 2011)

۳-۱-۳-S3: موقعیت ایران به عنوان جانشین خوب روسیه برای واردات انرژی به اروپا
 اتحادیه اروپا متشکل از بیست و هفت کشور است و در حال حاضر، بزرگترین وارد کننده انرژی
 جهان محسوب می‌شود. این اتحادیه به شدت وابسته به واردات انرژی است و این وابستگی در
 سال‌های آینده افزایش خواهد یافت. در واقع در سال ۲۰۳۰، مصرف انرژی این اتحادیه ۱۵ درصد
 بیش از مصرف انرژی آن در سال ۲۰۰۰ خواهد بود. نفت مهمترین منبع مصرف انرژی اتحادیه
 اروپا باقی خواهد ماند - اگرچه میزان مصرف آن در سال ۲۰۳۰، نسبت به مصرف کنونی آن
 افزایش قابل توجهی نخواهد داشت. در حالی که مصرف انرژی اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰ رشد
 خواهد داشت، کاهش قابل توجه انرژی تولیدی در داخل باعث خواهد شد که وابستگی این
 اتحادیه به واردات انرژی، به ویژه گاز، افزایش چشم گیری داشته باشد. روسیه، با دارا بودن
 ۴۸ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی و تولید حدود ۲۲ درصد کل گاز تولیدی جهان، و با دارا
 بودن ۷۲/۳ میلیارد بشکه از ذخایر نفتی ۶/۱ درصد از کل منابع نفت خام جهان، نقش مهمی
 در تأمین انرژی برای اتحادیه دارد. از دیگر سو، خطوط انتقال گسترده منابع انرژی آن به اروپا،
 به عنوان ابزارهای قدرت سیاسی و امنیتی این کشور عمل می‌کنند. روسیه حدود ۴۰ درصد گاز
 اروپا را تأمین می‌کند و طبق برخی پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۳۰، این میزان به ۶۰ درصد بالغ خواهد
 شد. این وابستگی به یکی از دغدغه‌های مهم اتحادیه اروپا تبدیل شده که آن را مجبور به یافتن
 مسیرها و راه‌های جدیدی برای بر طرف کردن این وابستگی نموده است. بنابراین ذخایر عظیم

گاز ایران پس از مناقشه‌های تکراری روسیه، به شدت مورد توجه اتحادیه اروپا قرار گرفته و این اتحادیه تلاش خود را برای یافتن منابع جایگزین برای انرژی روسیه دو چندان کرده است. (موسوی شفائی، ۱۳۸۷)

۳-۱-۴-S4: توانمندی نیروهای داخلی و استعدادها

توانمندی نیروهای داخلی و استعدادها، قابلیت‌ها، توانایی‌ها و امکانات قابل ملاحظه طراحی، ساخت و نصب تجهیزات پروژه‌ها و نیز ساخت داخل اکثر کالاها، ماشین آلات و تجهیزات و قطعات مرتبط به توسعه و تولید در صنعت نفت کشور:

با تحریم ایران، موانع واردات فناوری‌های نو در صنعت نفت، به تدریج بخش فرسوده و قدیمی تجهیزات را بدون جایگزین نمودن آنها از دور خارج می‌نماید. لذا، مسئولیت بخش داخلی در تأمین تجهیزات و فناوری‌ها و نیروی انسانی مورد نیاز در این بخش چه در زمینه تولید فناوری و چه به کارگیری آن سنگین تر خواهد شد. بررسی‌ها نشان داده مشکل اقتصاد ایران بی سواد نیست، مشکل اقتصاد ایران عدم کاربرد دانش در درون صنایع اقتصاد ایران است. ایران با داشتن نیروهای جوان مستعد، با استعداد و خلاق به راحتی می‌تواند در مسیر خودکفایی قدم بردارد و آنچه روزی عامل سلطه اقتصادی غرب بر آنها می‌شده است را نابود کند. خودکفایی کشور در بسیاری از فناوری‌های نو نشان می‌دهد که دانش بومی ما و آنچه که به عنوان سرمایه انسانی می‌شناسیم، بسیار قدرتمندتر از هر تحریمی است و به دست توانمندی احتیاج دارد تا با برنامه ریزی و تأکید بر فرایند تحقیق و توسعه، به مطلوب ترین شکل از آن استفاده کند.

(Capros & Mantzos, 2006)

۳-۱-۵-S5: داشتن ظرفیت در صادرات محصولات پتروشیمی

سرمایه گذاری ایران در تولید محصولات نفتی و صادرات آنها به جای صادر کردن نفت خام، امروزه به نتایج مطلوبی رسیده و ظرفیت مناسبی را فراهم نموده است تا بخشی از نفت خام استحصال شده در داخل، با ایجاد ارزش افزوده به مواد پتروشیمی تبدیل و به خارج صادر شوند. اکنون که اتحادیه اروپا نفت ایران را برای خود تحریم نموده است، بهترین فرصت است تا جان تازه‌ای به کالبد صنایع پتروشیمی دمیده شود و با همین سهم حدود ۲۰ درصدی از کل نفت صادراتی، صنایع پتروشیمی دچار تحول شود. تولید محصولات تبدیلی و غیر خام و صادرات آنها با توجه به نوسانات قیمت دلار، می‌تواند جبران مناسبی برای کسب درآمد نفتی محسوب

شده و کشور را به یک جهش صادراتی وادار نماید. به ویژه اینکه هم اکنون نیز از تمام ظرفیت تولیدات وابسته به محصولات پتروشیمی استفاده نمی‌شود و ظرفیت خالی برای رشد وجود دارد. (عسلی، ۱۳۹۱)

۳-۱-۶-۳: توجه به نقش بانک‌های ایرانی در اقتصاد بین‌الملل

بانک‌های ایرانی، دارای حجم کافی و توان بالقوه گسترش برای بازیگرانی هستند که می‌خواهند از صرفه‌های بازده به مقیاس استفاده کنند. قابل توجه آنکه اغلب بانک‌های بزرگ کشور، تجربه تجارت بین‌المللی را دارند و بانک‌های بخش عمومی از حمایت کامل دولت برخوردارند.

جدول شماره ۵. ماتریس ارزیابی ضعف‌ها

ماتریس W:	ضریب	رتبه	نمره
W1-افزایش مصرف مواد نفتی در داخل کشور	0.06	1	0.09
W2-افزایش بدهی‌های دولتی	0.06	1	0.09
W3-ضعیف شدن جریان خصوصی سازی (سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی)	0.06	1	0.09
W4-ناامیدی به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور	0.06	1	0.09
W5-تکای شدید اقتصاد ایران به درآمدهای صادراتی	0.05	1	0.08
W6-محدود شدن متحدان بین‌المللی	0.05	1	0.08
W7-کمیبود نقدینگی در عرصه‌های توسعه و تولید نفت و گاز در بخش بالادستی و پایین‌دستی	0.05	1	0.08
W8-عدم حفظ سهم تولید در حوزه‌های قدیمی به دلیل زیرساخت‌های گهنگه (پایین بودن ضریب ازدیاد برداشت)	0.05	1	0.08
W9-فاصله زیاد از لحاظ تکنولوژی و مالی با رقبای خارجی	0.08	1	0.11
W10-عدم تسلط کامل بر قوانین بین‌المللی	0.07	1	0.1
W11-منتوع نبودن سبد سرمایه‌گذاری	0.04	2	0.11

۴-۱-۴- ارزیابی نقاط ضعف

۴-۱-۱-W1: افزایش مصرف مواد نفتی در داخل کشور

مصرف مواد نفتی در کشور به شدت رو به افزایش است و تأثیر آن به همراه قدیمی بودن فناوری‌های استخراج نفت، بر ظرفیت صادرات نفتی کشور تأثیر منفی خواهد گذاشت.

۴-۱-۲-W2: افزایش بدهی‌های دولتی

با وجود تلاشی هماهنگ برای کاهش بدهی‌های دولتی در سال‌های اخیر، دوباره علایمی در مورد افزایش این بدهی‌ها مشاهده می‌گردد.

۴-۱-۳-W3: ضعیف شدن جریان خصوصی سازی

با وجود علایم تشویقی برای خصوصی سازی در سال‌های اخیر، هنوز جریان خصوصی سازی ضعیف می‌باشد.

۴-۱-۴-W4: ناامیدی به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور

بنگاه‌های خارجی نمی‌توانند آینده اقتصادی خود را در عرصه جهانی همراه و همگام با منابع هیدروکربنی ایران تعریف کنند و این امر امید به سرمایه‌گذاری خارجی را و ارزش آوری را در اقتصاد انرژی ایران محدود کرده است. (سپهری، ۱۳۹۰)

۴-۱-۵-W5: اتکای شدید اقتصاد ایران به درآمدهای صادرات نفت

بدون تردید اقتصاد ایران به تولید نفت وابسته است و درآمد نفتی ۸۰ درصد از کل درآمد صادرات و ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را شامل می‌شود. حذف این درآمدها بی‌تردید، باعث آسیب‌های اقتصادی خواهد شد. بر اساس ادعای آژانس بین‌المللی انرژی، ذخایر موجود نفت جهان جوابگوی ۱۸ ماه قطع صادرات نفت ایران است و همین مدت برای ضربه زدن به اقتصاد ایران کافی است. (صمدی، ۱۳۸۸)

۴-۱-۶-W6: متحدان اقتصادی محدود در سطح بین‌الملل

تأثیرگذاری تحریم‌ها در گرو اجرایی شدن کامل آنها و همکاری نهادها، شرکت‌ها و کمپانی‌های جهانی است. به این معنا که هر چه شرکت‌ها و کمپانی‌های بین‌المللی، با روند تحریم‌ها علیه ایران بیشتر موافق باشند و از اعمال آن سر نزنند، این حلقه برای ایران تنگ‌تر خواهد شد. این موضوع روز به روز از متحدان بین‌المللی ایران می‌کاهد. مهمترین کشوری که شاید بتوان روی حمایت آن به هر نحو، حساب نمود، کشور چین است. سومین کشور صادر کننده نفت به

چین بعد از عربستان و آنگولا، ایران است که با صادرات روزانه ۴۲۰ هزار بشکه نفت خام به این کشور، ۹ درصد از کل واردات نفت خام چین را در دست گرفته است که با افزایش تنش‌ها بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، چین نیز شاید به ناچار مجبور شود به دلیل فشارهای سیاسی، سیاست کاهش اتکای اقتصادی به نفت خام ایران را دنبال کند. (Thomson, 2011)

۴-۱-۷-۱-۷: کمبود نقدینگی در عرصه‌های توسعه و تولید نفت و گاز در بخش بالادستی و پایین دستی

از نظر علمی گفته می‌شود که «کمبود نقدینگی» مشکل کلاسیک بنگاه‌های اقتصادی است. از این رو، نوسانات نقدینگی را نباید به عنوان عامل، در مشکلات تولید تلقی کرد؛ بلکه نبود توانایی در مدیریت بهینه نقدینگی ریشه اصلی مشکلات است. اقتصاد ایران از نظر نقدینگی در سطح کلان، اقتصاد توانمندی است. هم منابع نقد داخلی فراوان است و هم جریان‌های نقد ارزی قابل توجهی وارد کشور شده و در اقتصاد کشور جریان می‌یابد. اما اینکه به عنوان مثال یک بخش اقتصاد مانند نفت نتواند از این نقدینگی به اندازه کافی بهره‌مند شود، می‌تواند یکی از مهمترین دلایلی، ضعف داخلی در این بخش باشد. اگر این بخش نتواند هم پای سایر حوزه‌ها برای سرمایه‌گذاران خویش بازده مناسب فراهم نماید، خروج منابع نقد از آن امری طبیعی خواهد بود. (Thomson, 2011)

۴-۱-۸-۱-۷: عدم حفظ سهم تولید در حوزه‌های قدیمی به دلیل زیرساخت‌های کهنه (پایین بودن ضریب ازدیاد برداشت)

ایران برای حفظ سهمیه تولید حدود ۱۳/۴۲ درصدی خود در اوپک، باید ظرفیت‌های تولید خود را تا سال ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰ به ترتیب به حدود ۵ و ۶ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. به دلیل فرسودگی، در اغلب مخازن نفت در حال تولید در ایران، ضریب بازیافت مخازن به شدت کاهش یافته و تزریق گاز به این میادین هم با جدیت پیگیری نمی‌شود. به همین دلیل، میزان تولید نفت از میادین موجود نیز مدام در حال کاهش است و همین امر دستیابی به هدف تولید ۵ میلیون بشکه نفت خام در پایان برنامه پنجم توسعه را با مشکل مواجه می‌سازد. این در حالی است که کشورهای همسایه به ویژه عراق، در میادین مشترک با بهره‌گیری از فناوری‌های شرکت‌های غربی، به سرعت در حال توسعه این میادین است. (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱)

۴-۱-۹-W9: فاصله زیاد از لحاظ تکنولوژیکی و مالی با رقبای خارجی

صنعت نفت و گاز، صنعتی سرمایه بر و دارای فناوری به نسبت پیچیده است که احتیاج به سرمایه گذاری‌های گسترده مالی و بانکی و ورود فناوری‌های جدید دارد که معاملات و داد و ستدهای بانکی و مالی، به شدت تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بوده و در نتیجه به طور مستقیم بر صنعت نفت و گاز اثر می‌گذارند. از سوی دیگر، موانع واردات فناوری‌های نو در این صنعت، بتدریج بخش فرسوده و قدیمی تجهیزات را بدون جایگزین نموده و آنها از دور خارج می‌نماید. (Man, Lau & Chan, 2002)

۴-۱-۱۰-W10: عدم تسلط کامل بر قوانین بین‌المللی

شرکت‌های نفتی نه تنها باید از سیاست‌ها و مقررات دولت در کشوری با ذخایر نفتی آگاهی داشته باشند، بلکه باید با قوانین بین‌المللی حاکم بر توسعه میدان‌های نفتی و تجارت نفت خام نیز آشنایی داشته باشند. شرکت‌ها در رقابت با هم دیگر با تمام وجود منافع خود را پیگیری نموده و تلاش می‌نمایند قراردادهای به گونه‌ای تنظیم نمایند که نفع بیشتری کسب کنند. کمبود مذاکره کنندگان بین‌المللی و آشنا به مفاد قراردادهای نفت و گاز، یکی از ضعف‌های کشور ایران در عدم بهره‌گیری بهینه از قراردادهای نفتی تاکنون بوده است. (متوسلی، ۱۳۸۹)

۴-۱-۱۱-W11: متنوع نبودن سبد سرمایه گذاری

همانطور که قبلاً ذکر شد، فروش و صادرات نفت ایران به کشورهای محدودی منحصر شده که براساس تئوری پورتفولیو، شاید بهترین و بیشترین بازده را برای جمهوری اسلامی ایران میسر نسازد، لذا همین متنوع نبودن بازار سبب می‌شود، وقتی چند مشتری کلیدی از سبد بیرون می‌روند اقتصاد سیاسی ایران با مشکلات جدی روبرو شود. (شهرستانی، ۱۳۸۸)

فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال دهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۸

جدول شماره ۶. محاسبه ضریب اهمیت کورت ها و ضعف ها

ضریب اهمیت S	WT		SO		ST		WO		دولتمایمی اجتناب		بحریم های هوسند	
	نمره	ضریب جدایی	نمره	ضریب جدایی	نمره	ضریب جدایی						
0.24	4	0.12	2	0.18	3	-	-	0.18	3	-	4	0.12
0.28	4	0.21	3	0.28	4	0.07	1	0.28	4	0.21	3	0.21
0.28	4	0.14	2	0.21	3	0.07	1	0.07	1	0.07	1	0.14
0.20	4	0.20	4	-	-	-	-	0.15	3	-	4	0.20
-	-	0.20	2	0.20	4	0.05	1	0.10	2	0.10	2	0.20
0.16	4	0.08	2	0.12	3	0.08	2	0.16	4	0.08	2	0.08
ضریب اهمیت W	نمره	ضریب جدایی	نمره	ضریب جدایی	نمره	ضریب جدایی						
0.18	3	0.18	3	0.18	3	0.18	3	0.18	3	0.24	4	0.06
0.18	3	0.18	3	0.18	3	0.06	1	0.24	4	0.24	4	0.06
-	-	0.18	3	0.18	3	0.24	4	0.24	4	0.18	3	0.06
0.18	3	0.18	3	0.24	4	0.18	3	0.24	4	0.24	4	0.06
0.15	3	0.15	3	0.15	3	0.15	3	0.20	4	0.20	4	0.05
0.10	2	0.20	4	0.10	2	0.15	3	0.20	4	0.20	4	0.05
-	-	0.15	3	0.10	2	-	-	0.10	2	0.20	4	0.05
-	-	0.10	2	0.15	3	-	-	0.20	4	0.10	2	0.05
0.24	3	0.24	3	0.16	2	0.24	3	0.24	3	0.32	4	0.08
-	-	0.21	3	0.14	2	-	-	0.28	4	0.14	2	0.07
0.08	2	0.16	4	0.04	1	0.12	3	0.12	3	0.16	4	0.04
2.27		2.88		2.61		1.59		2.24		2.48		0.97

نتایج حاصل از ماتریس IE نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در شرایط استراتژیک تحریم در WT یعنی ناحیه تدافعی قرار دارد. در این مرحله برای اطمینان از نتیجه حاصله از ماتریس SPACE استفاده می‌نماییم. ماتریس مذکور دارای دو بعد درونی و بیرونی است. در بعد درونی "توان اقتصادی" (FS) و "وضعیت رقابتی" (CA) قرار داشته و در بعد بیرونی دو دسته عوامل "ثبات محیط" (ES) و "توان صنعت" (IS) قرار دارد. اطلاعات جمع‌آوری شده و نمره‌های اختصاص داده شده به هر داده، در جدول زیر، نمایش داده شده‌اند.

جدول شماره ۲. ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک (SPACE)

نمره <math>1 \leq x < 6</math>	موقعیت استراتژیک خارجی / ثبات محیط (ES) در دوران تحریم	نمره <math>1 \leq x < 6</math>	موقعیت استراتژیک داخلی / توان اقتصادی (FS) در دوران تحریم
5	عدم دسترسی به تجهیزات فناوری	3	عدم بازده سرمایه
3	نرخ تورم	2	تضعیف اهرم های مالی
3	نامشروع رقابتهای نفت خام	4	تضعیف قدرت نقدینگی
4	محصولات شرکت رقیب	3	تورم سرمایه در گردش
4	تحریم های ورود به بازار جهانی انرژی	4	جریانهای انحرافی مالی
3	فشار ناشی از تحریم های اتحادیه اروپا	3	سهولت خروج از بازار
4	گشتن نفاضا برای سرمایه گذاری در بانک های داخلی در دوران تحریم	4	افزایش خطرات ناشی از تجارت در دوران تحریم
		4	دارایی های ناشی از تحریم
		2	کاهش سودخالص
26	جمع	26	جمع
3,7	میانگین	3,7	میانگین
نمره <math>1 \leq x < 6</math>	موقعیت استراتژیک داخلی / توان صنعت (IS) در دوران تحریم	نمره <math>1 \leq x < 6</math>	موقعیت استراتژیک خارجی / ثبات محیط (CA) در دوران تحریم
4	توان بافوق رتبه صنعتی	4	سهام بازار نفت داخلی
3	توان سودآوری صنعت	4	کیفیت محصولات بنروسیمی داخلی
2	استفاده غلط از باقی مانده منابع سخت افزاری صنایع	3	جرخه حیات محصولات بخش خصوصی
3	عدم سهولت ورود به بازار بین الملل	4	عدم وفاداری مشتریان و مصرف کنندگان ملی
2	بهره وری و استفاده بهینه از ظرفیت صنایع بالادستی	4	ناپایانی در بهره برداری از رقابتهای بازارهای ملی
4	نیروی متخصص فنی-مهندسی	3	دانش فنی ضعیف به نسبت دانش فنی جهانی
3	بی ثباتی مالی	4	انضام کنترل بر عرضه کنندگان مواد اولیه نفت، گاز و بنروسیمی
3	تراکم سرمایه صنایع کوچک	3	ناپایانی در ظرفیت امکانات و نیروهای متخصص بومی در قیاس با سطح بین الملل
2	مهارت لازم در فناوری	2	از دست دادن موقع توان موقعیت استراتژیک کشور در دوران تحریم
		2	بی کیفیتی در ارائه سروس های حمل و نقل
26	جمع	35	جمع
2,8	میانگین	3,5	میانگین
			نتیجه: میانگین FS : 2,9 میانگین ES : 3,7 مجموع نمرات محور X ها : 7- مجموع نمرات محور Y ها : 8- میانگین IS : 2,8 میانگین CA : 3,5

$$s1 = 1/2 (2.8 \times 2.9) = 4.01 \Rightarrow s1 / (\sum s) \times 100 = 19.53$$

$$s2 = 1/2 (3.5 \times 2.9) = 5.075 \Rightarrow s2 / (\sum s) \times 100 = 24.41$$

$$s3 = 1/2 (3.5 \times 3.7) = 6.475 \Rightarrow s3 / (\sum s) \times 100 = 31.14$$

$$s4 = 1/2 (2.8 \times 3.7) = 5.18 \Rightarrow s4 / (\sum s) \times 100 = 24.92$$

$$\sum s = 20.79$$

نتایج حاصله مطابق محاسبات زیر، نتیجه حاصل از ماتریس IE را تایید کرد و همچنان جمهوری اسلامی ایران در دوران تحریم در موقعیت تدافعی قرار دارد.
درصد استفاده از استراتژی‌های چهارگانه:

استراتژی تهاجمی:

$$s\Delta 1 = 1/2 (2.8 \times 2.9) = 4.01 \Rightarrow s1 / (\sum s) \times 100 = 19.53$$

استراتژی تنوع:

$$s\Delta 2 = 1/2 (3.5 \times 2.9) = 5.075 \Rightarrow s2 / (\sum s) \times 100 = 24.41$$

استراتژی تدافعی:

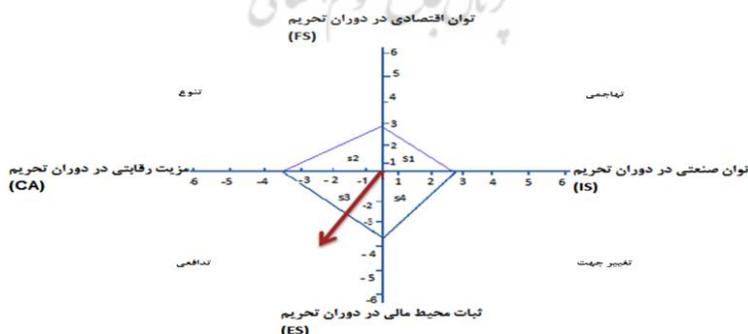
$$s\Delta 3 = 1/2 (3.5 \times 3.7) = 6.475 \Rightarrow s3 / (\sum s) \times 100 = 31.14$$

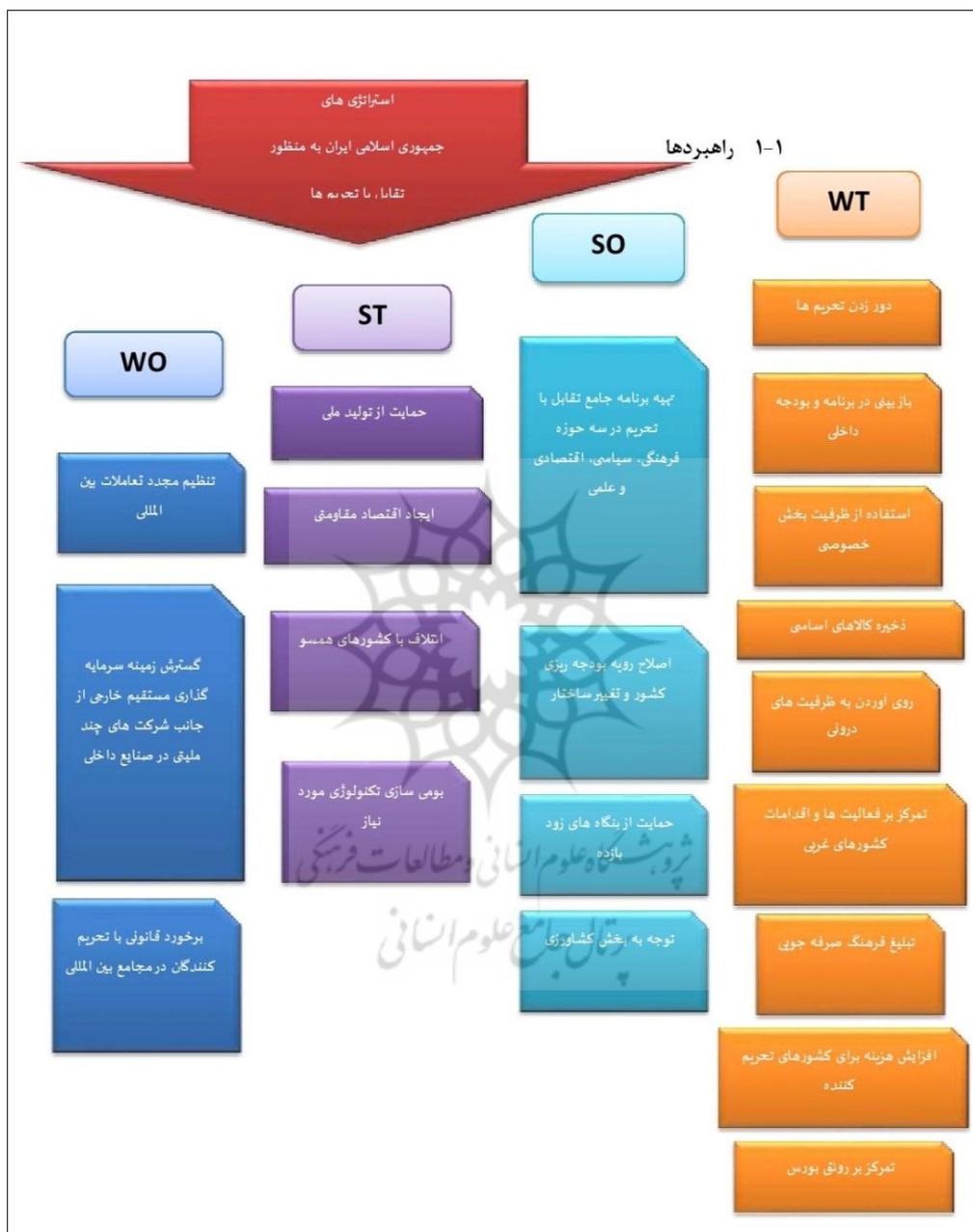
استراتژی تغییر جهت:

$$s\Delta 4 = 1/2 (2.8 \times 3.7) = 5.18 \Rightarrow s4 / (\sum s) \times 100 = 24.92 \quad \sum s = 20.79$$

نتیجه: بیشترین درصد متعلق به استفاده از استراتژی‌های تدافعی است و بعد از آن تغییر جهت، تنوع و سپس تهاجمی است.

نمودار تجزیه و تحلیل SWOT از ابزارهایی است که ضمن ترسیم موقعیت کنونی، وضعیت و نوع استراتژی‌های زیر را نیز پیشنهاد می‌دهد. بر اساس امتیازدهی به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای اشاره شده، نمودار بالا، به کارگیری استراتژی‌های تدافعی را در موقعیت کنونی تحریم صنعت نفت ایران پیشنهاد می‌کند. تأثیرات تحریم اقتصادی علیه ایران هم برای تحریم کنندگان و هم برای دولت ایران بسیار مضر و آسیب رسان خواهد بود. در این پژوهش با به کارگیری مدل تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، نتایج اثرات تحریم بر صنعت نفت به شرح ذیل احصا شده‌اند:





۶- نتایج راهبردها

محاسبات صورت گرفته از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی بیانگر آن بود که نقش صنعت نفت کشور در بودجه و درآمدهای کشور ایران موجب گردیده است تا این صنعت از سویی، به عنوان کلیدی‌ترین صنعت کشور ایران مورد توجه تحریم‌های کشورهای غربی و قدرتمند قرار گیرد و از دیگر سو، در اولویت بالای دولتمردان و مدیران هر دو کشور در برنامه ریزی‌ها باشد. نتایج مطالعه حاضر، بر اساس مدل SWOT علاوه بر شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای صنعت نفت ایران در شرایط تحریم‌های هوشمند ناشی از دیپلماسی اجبار، راهبردهای برون رفت از این محدودیت‌ها را در قالب چهار گروه، به مدیران صنعت نفت این کشور ارائه می‌دهد، تا در صدر برنامه‌های خود قرار دهد. مهمترین آنها عبارتند از: تغییر در روش‌های سرمایه گذاری، تغییر در گفتمان بین‌المللی، اعتمادسازی برای جذب نقدینگی و تقویت بخش‌های خصوصی، توجه به نیروهای دانشی، تنوع در نحوه تأمین مالی و تمرکز بر بازاریابی. از آنجا که در تمامی چالش‌ها، فرصت‌هایی نیز نهفته است، نظام حاکم بر کشور ایران می‌بایست با انتخاب استراتژی‌های مناسب و متنوع (هم استراتژی‌های تغییر جهت، هم تدافعی، هم تهاجمی و هم تنوع) از این تحریم‌ها بهره گیرد. در این راستا، به سیاستگذاران صنعت نفت پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- بروز رسانی قوانین و مقررات منطبق با شرایط تحریم و رفع خلأهای موجود؛
- حمایت همراه با نظارت، از صنعتگران و کار آفرینان در بخش‌های گوناگون تولیدی و خدماتی، و ایجاد انگیزه در میان این افراد؛
- تغییر نگاه، ایجاد خودباوری و درونی کردن این نکته برای جامعه صنعت نفت که ترقی روزافزون اقتصاد نفتی هر دو کشور، تنها با دست‌ان خود آنها صورت خواهد گرفت؛
- جلوگیری از خروج استعدادها و نخبگان شاغل در صنعت نفت؛
- کنترل سیستم توزیع و مصرف انرژی؛
- برنامه ریزی برای کاهش وابستگی‌ها؛

منابع فارسی

کتب

- عالمی، حمزه (۱۳۹۱)، صنعت نفت ایران بعد از تحریم، تهران، بصیرت
- محمدی، فاطمه (۱۳۹۱)، حوزه‌های مشترک نفتی ایران و عراق، مرکز بین‌المللی مطالعات
صلح

مقالات

- اقبالی، محمدعلی (۱۳۹۵)، ارزیابی و اولویت‌بندی منابع تأمین مالی اجرای پروژه‌ها با روش
تحلیل سلسله مراتبی مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی، فصلنامه
مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۴۹
- جوان افشین (۱۳۸۵)، بررسی تئوریک مدل‌های قیمت‌گذاری گاز طبیعی، فصلنامه مطالعات
اقتصاد انرژی، بهار
- سپهری، کامران (۱۳۹۰)، چشم‌انداز بانک‌های تجاری در ایران، بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۴
- شهرستانی، حمید (۱۳۸۸)، الگوی تعادلی عمومی پویا برای ادوار تجاری اقتصاد ایران، پژوهشنامه
اقتصادی
- شهرکی، جواد (۱۳۹۱) عوامل تعیین‌کننده نرخ واقعی ارز، با تأکید بر قیمت نفت برای
مقایسه کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۴۰
- صفدری، مهدی (۱۳۸۹)، تأثیر شاخص‌های کلان بر توزیع درآمد در ایران (۱۳۸۶-۱۳۴۰)،
فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی
- صمدی، سعید (۱۳۸۸) تحلیل تأثیر شوک‌های قیمت نفت بر متغیرهای اقتصاد کلان در
ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
- فطرس، محمدحسن (۱۳۹۰)، تأثیر رشد اقتصادی بر مصرف انرژی تجدیدپذیر مقایسه تطبیقی
کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و غیرعضو (شامل ایران)،
فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۰
- متوسلی، محمود (۱۳۸۹)، طراحی یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی نیوکینزی برای
اقتصاد ایران به عنوان یک کشور صادرکننده نفت، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی
- لطفعلی پور، محمدرضا (۱۳۸۸)، قیمت‌گذاری گاز طبیعی در شرکت گاز خراسان بزرگ

- با استفاده از روش رمزی- بوآتو، مجله دانش و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۲۷
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۱)، گزارش لایحه افزایش سرمایه جمهوری اسلامی ایران در صندوق اوپک برای توسعه بین‌المللی
- موسوی شفائی، سید مسعود (۱۳۸۷)، روسیه و اتحادیه اروپا؛ رقابت بر سر انرژی: مورد پروژه ناباکو، مرکز تحقیقات استراتژیک
- نریمانی، مهدی (۱۳۹۳)، فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت نفت در مواجهه با جهانی شدن، پژوهشکده مدیریت منابع انسانی
- یآوری، کاظم (۱۳۹۰)، آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجلس و پژوهش، شماره ۶۱

خبرگزاری

- عسلی، مهدی (۱۳۹۱)، ضرورت نگاه واقع بینانه به آینده صنعت نفت کشور، خبرگزاری سکونیوز

English Resources

Articles

- Thomson Reuters (2011), **Sanctions Against Iran**, The Reputational Risk For Law-Abiding And Well-Meaning Companies
- Capros, P. & Mantzos, L. (2006), **European Energy and Transport**, European Commission, Belgium
- Man, Thomas W.Y. and Lau, T. and Chan, K.F. (2002), **The competitiveness of small and medium enterprises A conceptualization with focus on entrepreneurial competencies**

site

- www.tehrantimes.com, Tehran Times (2011), Iran safest source of gas supply to Europe: OMV
- www.businessmonitor.com, Commercial Banking Business Environment Rating (CBBER).
- www.standardandpoors.com